

استرس و خشونت فیزیکی مردان علیه زنان: یک تحقیق کیفی

حسین بنی فاطمه^۱، محمد عباس زاده^۲، محمدباقر علیزاده اقدم^۳، تیر محمدپور^{۴*}

چکیده

خشونت علیه زنان یکی از موانع مهم بازدارنده در توسعه همه جوامع است. خشونت علیه زنان را می‌توان در همه اشکال فیزیکی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی، هم در حوزه عمومی و هم در حوزه خصوصی، مشاهده کرد. با توجه به اهمیت این موضوع، در این تحقیق به مطالعه زنان متأهل ۲۰ تا ۶۰ سال در شهر تبریز پرداخته شده است. شیوه نمونه‌گیری به روش گلوله‌برفی است. داده‌های کیفی با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته در حول محورهای اساسی تحقیق از ۲۴ نفر از زنان متأهل شهر تبریز جمع‌آوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با روش نظریه زمینه‌ای و با استفاده از شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد خشونت فیزیکی مردان علیه زنان بازتاب فشارها و استرس‌های متعددی است که بر آن‌ها وارد می‌شود. به این معنا که خشونت مردان علیه زنان در خانواده نمایانگر واکنش مردان در برابر فشارهای بیرونی و درونی موجود در حوزه‌های عمومی و خصوصی است. مفهوم «استرس» در این مطالعه نوعی واکنش منفی مردانه به شرایط و وضعیت حاکم بر جامعه است که اعمال خشونت علیه زنان بخشی از تبعات آن شرایط است.

کلیدواژگان

استرس، برهم خوردن توازن قدرت، پدرسالاری، خشونت فیزیکی.

۱. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم اجتماعی H.Banifatemeh@TabrizUniversity.ac.ir
۲. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم اجتماعی m.abbaszadeh2014@gmail.com
۳. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم اجتماعی aghdam1351@yahoo.com
۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) mohammadpour.6456@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

مقدمه

گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن به معنای تغییر الگوهای رفتاری و گفتمان حاکم بر جامعه است. به تعبیری، ورود به جامعه مدرن به معنای تغییر شکل رفتارهاست. یکی از این الگوهای رفتاری برخورد خشونت‌آمیز در حوزه عمومی و خصوصی با زنان جامعه است؛ خشونتی که انتظار می‌رود در جامع به اصطلاح مدرن امروزی ایران شکلی نمادین و غیرخشن داشته باشد. اما با بررسی دقیق وقایع در جامعه می‌توان در کنار اشکال متعدد خشونت، همچنان شاهد خشونت فیزیکی و جسمانی بود. به عبارتی، هنوز نشانه‌هایی حاکی از منزلت فرودست زنان نسبت به مردان وجود دارد که در قالب خشونت نمود پیدا می‌کند. خشونت رفتاری است که هدف از آن صدمه زدن به خود یا دیگران است. مطابق دیدگاه تریویلیون^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، خشونت فیزیکی شامل رفتارهایی است که هدف آن‌ها وارد آوردن آسیب فیزیکی از سوی شوهر مانند ضربه زدن، لگد زدن، مشت زدن، خم کردن بازو، هل دادن، کشیدن مو، زدن با یک اسلحه گرم، ریختن آب جوش، انداختن جای سیگار روی بدن، کشیدن روی زمین، اجبار به زندگی در شرایط نامعلوم یا کشتن و غیره است [۵۸]. اوزتورک^۲ می‌گوید: «خشونت فیزیکی آشکارترین نوع خشونت است که در آن زن مورد حمله فیزیکی شوهرش قرار می‌گیرد.» طبق نظر اوزتورک (۲۰۱۰)، در خشونت فیزیکی مرد از قدرت فیزیکی خود در مقایسه با قدرت فیزیکی زن استفاده می‌کند [۵۳]. بنا به تعریف سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۹)، سوء رفتار یا خشونت به استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی یا تهدید بر دیگران اطلاق می‌شود که می‌تواند بدون آسیب ظاهری یا همراه با جراحی، آسیب روحی- روانی، اختلال رشد، محرومیت‌های گوناگون و حتی مرگ باشد. این نوع رفتار می‌تواند به اشکال مختلف و در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، به‌ویژه قشر آسیب‌پذیر جامعه، دیده شود. از مصادیق آن می‌توان به خشونت علیه زنان اشاره کرد. خشونت علیه زنان در همه کشورهای جهان وجود دارد و از مرزهای فرهنگ، طبقه اجتماعی و اقتصادی، تحصیلات، قومیت و سن فراتر رفته است. گرچه در بسیاری از کشورهای جهان خشونت علیه زنان منع شده و افراد از ارتکاب آن منع می‌شوند، واقعیت این است که خشونت علیه زنان در پس شعائر، آداب فرهنگی، هنجارهای اجتماعی و اعتقادات پناه گرفته و پنهان می‌شود. خشونت فیزیکی شامل صدمه وارد کردن به فرد از طریق ضربه زدن، بریدن، لگد زدن، سیلی زدن و موارد مشابه است. این صدمات می‌تواند در نتیجه استفاده از اشیائی نظیر کمر بند، ترکه چوب و چماق به وجود آید [۷؛ ۱۰]. پیامدهای خشونت جسمی می‌تواند شامل شکستگی اعضا، پارگی زخم‌ها، بریدگی‌ها، کبودی‌ها، جراحتهای داخلی، ضربه مغزی و سقط جنین باشد [۲۰، ص ۲۹۲]. بنابراین، هر نوع حمله فیزیکی به قصد

1. Trevillion
2. Uzturk

آزار رساندن به فرد دیگر خشونت جسمانی تلقی می‌شود. در بعضی از جوامع، مردان به‌سادگی اقدام به خشونت جسمانی نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند از راه‌های دیگری زن یا طرف خشونت را زیر فشار قرار دهند، تا مطیع و فرمانبر آنان شود. علت آن وجود قوانین جزایی برای کسانی است که مرتکب چنین خشونتی علیه افراد دیگر در خانواده می‌شوند؛ اما در برخی جوامع، به دلایل مختلفی همچون عادی‌بودن توسط به خشونت فیزیکی در اجتماع، عدم پیگیری و مجازات عاملان آن از سوی دولت، عدم شکایت قربانیان خشونت به مراجع مربوطه، خشونت‌پذیری زنان و مسائل دیگری از این دست، خشونت فیزیکی علیه زنان زیاد به چشم می‌خورد [۲۴؛ ۲۶]. مطابق آمار سازمان بهداشت جهانی^۱ (۲۰۱۳)، در سراسر جهان از هر سه زن یک نفر از سوی شریک خود یا دیگران مورد خشونت فیزیکی و جنسی قرار می‌گیرد. مطابق آمارهای منتشرشده این سازمان، ۲۳/۲ درصد از زنان کشورهای با درآمد بالا، ۲۹/۸ درصد عضو سازمان بهداشت جهانی، ۲۵/۴ درصد زنان کشورهای اروپایی، ۳۷ درصد کشورهای منطقه خاورمیانه، ۳۶/۶ درصد کشورهای افریقای، ۳۷/۷ درصد کشورهای منطقه جنوب شرقی، ۲۴/۶ درصد از زنان کشورهای غرب اقیانوس آرام خشونت را تجربه می‌کنند. فراوانی سالانه خشونت فیزیکی علیه زنان در ایران ۴۳/۷ درصد است. این در حالی است که در کشور مصر ۶۲/۲ درصد، سودان ۴۱/۲ درصد و عربستان سعودی ۲۵/۷ درصد است. بررسی پژوهش‌های متعدد انجام‌گرفته در حوزه خشونت علیه زنان نشان می‌دهد که این موضوع برای پژوهشگران از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌رغم تحقیقات انجام‌شده در شهرهای متعدد کشور در زمینه خشونت فیزیکی علیه زنان، این موضوع به روش کیفی در شهر تبریز انجام نشده است. لذا با توجه به حساسیت موضوع و نیاز به بررسی عمیق آن از نگاه زنان متأهل، این تحقیق به روش کیفی و با ابزار مصاحبه انجام شد تا بتوان این مفهوم را از نگاه زنان متأهل بررسی کرد. بنابراین، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات است که علل وقوع خشونت از نگاه زنان متأهل چیست؟ پیامدهای ناشی از آن چیست؟ راهکارهای زنان برای مقابله با این نوع خشونت چیست؟ یافته‌های حاصل از این تحقیق می‌تواند مسئولان و پژوهشگران را در یافتن علل بروز خشونت در خانواده‌ها، جلوگیری از آسیب‌پذیری زنان و کودکان در نتیجه بروز خشونت، طلاق (رسمی و غیررسمی) بین زوجین و... یاری رساند.

پیشینه تجربی

خشونت علیه زنان به علت عواقب جدی که در خانواده و جامعه بر جای می‌گذارد اهمیت خاصی دارد؛ به‌طوری‌که در چند دهه اخیر این موضوع در سطح بین‌المللی و در همایش‌ها و

نشست‌ها مورد توجه زیادی بوده است. انجام تحقیقات متعدد در حوزه‌های پزشکی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نشان‌دهنده اهمیت این موضوع برای اندیشمندان است. در حوزه پزشکی، باباپور و همکاران (۱۳۸۶) [۳]، خانجانی و همکاران (۱۳۸۹) [۷]، علیزاده و همکاران (۱۳۹۱) [۱۷] و فلاح و همکاران (۱۳۹۴) [۱۸] به بررسی خشونت فیزیکی و پیامدهای ناشی از آن بر زنان باردار پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیقات نشان می‌دهد که ناخواسته بودن حاملگی، ناکافی بودن درآمد، مصرف الکل در همسر، سیگاری بودن همسر، وجود سابقه خشونت در خانواده‌ها از علل بروز خشونت علیه زنان باردار است. موارد دیگری همچون همشهری بودن زن و مرد، مقطع تحصیلی زن و مرد، اعتقادات مذهبی زن، شغل زن و مرد، سن ازدواج، وضعیت خانوادگی و درآمد مرد از عوامل مؤثر بر وقوع خشونت خانگی گزارش شده‌اند. مشکلاتی همچون پارگی زودرس کیسه آب، زایمان زودرس و سقط جنین از پیامدهای خشونت علیه زنان در دوران بارداری است. در حوزه جامعه‌شناسی، می‌توان به تحقیق عباس‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) [۱۶]، محمداوغلو (۱۳۹۴) [۲۴] و رهبر طارم‌سری و همکاران (۱۳۹۱) [۱۱] اشاره کرد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند که بین خشونت خانگی علیه زنان و خشونت در خانواده پدرشوه‌ر، تصور نقش سلطه‌گرانه مرد از خود، تصور نقش فرمان‌بردارانه زن، دخالت خانواده شوهر و تحریک شوهر از سوی زن رابطه معنادار وجود دارد. در حوزه روان‌شناسی، مطالعه درخشانپور و همکاران (۱۳۹۳) [۸] در شهر بندرعباس نشان می‌دهد از میان افراد مطالعه‌شده ۹۲ درصد خشونت خانگی را تجربه کرده بودند که در این میان شایع‌ترین نوع خشونت، خشونت روانی (۵۴ درصد) بوده است. در رده‌های بعدی خشونت کلامی، فیزیکی و جنسی قرار دارند. در تحقیقات خارجی نیز کاتینو^۱ و همکاران (۲۰۱۴) [۴۲]، [۴۲]، بلاسکو رز^۲ [۳۵]، پاستور براوو^۳ (۲۰۱۶) [۵۵]، ییم ایس^۴ (۲۰۱۸) [۶۰] و اوزن^۵ و همکاران (۲۰۱۴) [۵۹] به مطالعه پیامدهای پزشکی ناشی از خشونت فیزیکی علیه زنان پرداختند. نتایج تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد عوامل پیش‌بینی‌کننده وقوع خشونت علیه زنان شامل مهاجرت همسر، سطح تحصیلات دانشگاهی، بیکاری، میزان درآمد ماهیانه و حاملگی برنامه‌ریزی شده بودند. استرس و اختلالات التهابی، ایمنی و واکنش‌های هورمونی از پیامدهای خشونت علیه زنان گزارش شده است. بارچی^۶ و همکاران (۲۰۱۸) به مطالعه پیامدهای روان‌شناختی خشونت شوهران علیه زنان در کشور بوتسوانا^۷ پرداختند. یافته‌های

-
1. Coutinho
 2. Blasco-Ros
 3. Pastor Bravo
 4. Yim IS
 5. Uzun
 6. Barchi
 7. Botswana

تحقیق نشان می‌دهد ۳۱ درصد پاسخ‌دهندگان افسرده بودند. در میان ۸۹ درصد از پاسخ‌گویانی که در ۱۲ ماه گذشته خشونت را تجربه کرده بودند، ۸۲ درصد دچار افسردگی بودند [۳۴]. در حوزه جامعه‌شناسی، می‌توان به تحقیقات جیاسلین و همکاران (۲۰۰۷) [۴۹] آلن (۲۰۰۷) [۳۲]، سامیسا و همکاران (۲۰۱۱) [۵۶] مک دوی را (۲۰۱۲) [۵۱]، بووروس (۲۰۱۵) [۳۷]، آن (۲۰۱۵) [۳۱]، کانگر (۲۰۰۵) [۴۱]، اوکنا اومگوا و همکاران (۲۰۱۶) [۵۲] و کائو (۲۰۱۷) [۴۰] اشاره کرد. نتایج حاصل از مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد بین متغیرهای بیکاری مردان، درآمد ناکافی، مصرف مداوم الکل، خانه‌دار بودن زنان و تحصیلات پایین زنان رابطه معنادار وجود دارد. برخی از محققان نیز به بررسی مسئله خشونت علیه زنان در بعد فراملی پرداخته و مسائل مرتبط با آن را در فراسوی مرزها بررسی کردند. تاواریس و وودن (۲۰۱۸) به مطالعه رویکردهای محلی و جهانی جهت حمایت زنان در برابر خشونت خانگی و آزار جنسی پرداختند. یافته‌های تطبیقی آن‌ها حاکی از آن است که سهم کشورهای فاقد قانون خشونت فیزیکی علیه زنان در سال ۲۰۱۷ در منطقه و در کشورهای شرق آسیا و اقیانوس آرام برابر صفر، کشورهای اروپایی و آسیای مرکزی ۱۳ درصد، در کشورهای امریکای لاتین و کارائیب ۴/۸ درصد، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ۷۱/۴ درصد، کشورهای امریکای شمالی ۵۰ درصد، کشورهای جنوب آسیا صفر، کشورهای واقع در جنوب صحرای آفریقا برابر ۲۴/۸ درصد بوده است [۵۷]. مرور تحقیقات انجام‌شده در زمینه خشونت علیه زنان در حوزه خانواده نشان می‌دهد بین خشونت علیه زنان و متغیرهای متعددی همچون خاستگاه مشترک زن و مرد، تحصیلات، اعتقادات دینی، شغل، درآمد، سن زوجین موقع ازدواج، سلامت جسمانی و روانی زوجین، دخالت خویشاوندان، نوع برخورد زنان با خشونت اعمال‌شده علیه آن‌ها و تحریک‌پذیری مردان از سوی زنان رابطه وجود دارد.

ملاحظات نظری

بسان روش‌های کمی، در روش‌های کیفی نیز برای بررسی مسئله مورد نظر، که به فراخور موضوع همان رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه است، مرور ادبیات نظری و تجربی ضروری می‌نماید. یکی از نظریه‌های استفاده‌شده برای تبیین مسئله مورد نظر، نظریه یادگیری است؛ به عبارتی، براساس مکتب روان‌شناسی اجتماعی و نظریه یادگیری اجتماعی، پرخاشگری و خشونت مانند سایر رفتارها و فعالیت‌ها نوعی رفتار اجتماعی آموخته شده است. باندورا (۱۹۷۷) می‌گوید افراد رفتارهای خشن را با مشاهده یاد می‌گیرند و اگر این‌گونه رفتارها تنبیه نشوند و برعکس تشویق شوند، تقویت می‌شوند و ادامه می‌یابند. به عبارت دیگر، در سیستم یادگیری اجتماعی، الگوهای جدید رفتاری از طریق تجربه مستقیم یا مشاهده رفتار دیگران شکل می‌گیرد. پس شکل اولیه یادگیری در تجربه مستقیمی ریشه دارد که می‌تواند در نهایت مورد

تشویق یا تنبیه قرار بگیرد؛ مثلاً، پسری که می‌بیند پدر او مادرش را می‌زند، احتمال اینکه در آینده همسرش را کتک بزند زیاد است. بنابراین، خشونت به واسطه قرار گرفتن در معرض ارزش‌های اجتماعی و اعتقادات در باب نقش‌های زنان و مردان یاد گرفته می‌شود و زمانی تقویت می‌شود که تنبیه مناسب اعمال نشود. همچنین، باندورا معتقد است فراگیری خشونت تحت شرایط مستقیم (تنبیه و تشویق) و مشاهدات فرد انجام می‌پذیرد. از این دیدگاه، پدیده یادگیری اجتماعی عمدتاً ناشی از تجاربی است که بر پایه یادگیری نیابتی و از طریق مشاهده رفتار فرد دیگر و پیامدهای آن شکل می‌گیرد. لذا مشاهده و تجربه بدرفتاری از ناحیه پدر و مادر در کودکی به یادگیری رفتارهای سلطه‌آمیز از سوی مرد و آموختن تحمل از سوی زن منجر می‌شود [۳۳؛ ۴]. لئونارد برگویس^۱ نیز بر یادگیری مشاهده‌ای رفتار پرخاشگرانه ابراز شده از سوی انسان تأکید می‌کند و می‌گوید یادگیری در رفتار پرخاشگری انسان نقش مهم‌تری نسبت به گزینه دارد که این امر حاصل تعامل ساختاری پیچیده بین انگیزه‌های ذاتی و پاسخ‌های آموخته‌شده است. به اعتقاد او، کودکان رفتار بزرگسالان را سرمشق خود قرار می‌دهند و مشاهده رفتار پرخاشگرانه دیگری محرکی برای آن‌ها می‌شود تا به رفتارهای پرخاشگرانه بدیع و جدید بپردازند [۳۳؛ ۲۱]. اشتراوس^۲ نیز مراحل را در یادگیری خشونت از طریق خانواده مشخص کرده است: مرحله‌ای که در آن فرد این‌گونه فرامی‌گیرد که افرادی که یکدیگر را دوست دارند نیز نسبت به هم رفتار خشونت‌آمیز انجام دهند. پس نبود منع اخلاقی در مورد خشونت در برابر افراد خانواده یاد گرفته می‌شود و در نهایت فرد می‌آموزد که خشونت در صورتی که نتوان از راه‌های دیگر مشکل را حل کرد، مجاز است [۱، ص ۱۸۵]. اریک فروم بین دو نوع خشونت تمایز قائل می‌شود؛ در یک طرف پرخاشگری ذاتی و بالقوه است که اساساً در پاسخ به تهدید علایق حیاتی فرد بروز می‌کند. این خشونت برای حفظ زیست دفاعی ضروری است. ولی نوع خشونت دیگر غریزی نیست، بلکه تحت تأثیر یادگیری از محیط فرهنگی و اجتماعی است [۳۸، ص ۱۹۵]. نوربرت الیاس، جامعه‌شناس آلمانی، نیز معتقد است که خشونت پدیده‌ای است که در فرایند اجتماعی شدن آموخته می‌شود [۳۹، ص ۸۵]. از آنجا که عدم خشونت‌ورزی به سطح تمدن جامعه و رشد فرهنگ، احترام به شخصیت و عقاید دیگران و روش‌های زندگی، شیوه‌های رفتاری دیگری و شکل‌گیری فرهنگ دموکراسی در جامعه ارتباط دارد، به نظر می‌رسد محو خشونت ممکن نیست، مگر آنکه در همه نهادهای رسمی (مانند مدرسه و خانواده) خرد و کلان جامعه تغییر و تحولی بنیادین صورت بگیرد. فقط در این صورت است که فرهنگ خشونت‌ورزی جای خود را به مدارای اجتماعی خواهد داد [۱۵؛ ۲۳]. هومنز در بررسی رفتار پرخاشگرانه بر ناکامی افراد به‌عنوان علت بروز این نوع رفتار تأکید دارد. براساس نظریه ناکامی- پرخاشگری وی، وقتی فرد دچار ناکامی می‌شود، انتظار می‌رود که رفتار

1. Leonard Berghuis
2. Strauss

پرخاشگرانه از خود نشان بدهد. این رفتار شامل حمله، شکستن، صدمه زدن یا تهدید است [۴۷؛ ۵۹۹]. براساس روانکاوی فروید، بسیاری از اعمال آدمی را غریزه‌ها و به‌ویژه غریزه جنسی تعیین می‌کند. وقتی مانعی در تجلی غرایز پیش بیاید، سایق پرخاشگری سر برمی‌آورد. بعدها نظریه‌پردازان مکتب روان‌کاوی این فرضیه ناکامی پرخاشگری را گسترش دادند و ادعا کردند که هرگاه کسی در تلاش برای دستیابی به هدف ناکام بماند، سایق پرخاشگری فعال می‌شود [۲۱؛ ۳۰]. مطابق نظریه فشار^۱، در نتیجه وجود تضاد بین اهداف و ابزارها، مردم به خشونت دست می‌زنند. این تئوری را جامعه‌شناس امریکایی، رابرت مرتن^۲، مطرح کرد. به اعتقاد وی، جامعه از دو بعد اصلی فرهنگ و ساختار اجتماعی تشکیل می‌شود و در قلمرو فرهنگ است که ارزش‌ها، باورها، اهداف و هویت‌های ما شکل می‌گیرند. در این میان، ساختار اجتماعی موجود در جامعه به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف و حافظ هویت‌های مثبت نقش مهمی را ایفا می‌کند. باین‌حال، اغلب اهداف مورد نظر با ابزارهای موجود در ساختار اجتماعی همخوانی ندارد و هنگامی که این اتفاق می‌افتد، فشار اجتماعی بر افراد جامعه وارد می‌شود. در این شرایط، افراد به شیوه‌های مختلف واکنش نشان می‌دهند. مرتن اشاره می‌کند که پاسخ انحرافی به فشار فقط یکی از پنج نوع پاسخ مشاهده‌شده در جامعه است. او این واکنش را «نوآورانه» می‌خواند و تأکید می‌کند که در این روش افراد از ابزارهای غیرقانونی یا غیرمعتاد برای به‌دست آوردن هدف فرهنگی ارزشمند استفاده می‌کنند. شیوه‌های دیگر پاسخ به فشار اجتماعی شامل همنوایی^۳ (سازگاری اهداف فرهنگی با ابزار نهادی‌شده)، انزواگرایی^۴ (رویگردانی و انصراف افراد از اهداف و ابزار)، مناسک‌گرایی^۵ و طغیان^۶ (شکل‌گیری ارزش‌های جدید برای نیل به آن اهداف) است [۲؛ ۴۳]. مرتن معتقد است وقتی افراد برای رسیدن به اهداف ابزارهای مشروع در اختیار نداشته باشند، احساس فشار می‌کنند و در نتیجه ممکن است راه‌های غیرقانونی و نامشروع را برای رسیدن به اهداف خود برگزینند و در واقع به جرم و بزه‌کاری متوسل شوند [۲۲، ص ۱۴۱]. کوهن نیز در نظریه خود با عنوان ناکامی منزلتی کجروی را به پایگاه اجتماعی و طبقات منسوب می‌کند و منشأ این رفتارها را دسترسی نداشتن به اهداف مورد قبول جامعه می‌داند. مشکلات اقتصادی، بیکاری و کمبود درآمد معمولاً موجب افزایش فشار و نگرانی در خانواده می‌شود. گاهی اوقات این فشارها به رفتارهای خشونت‌آمیز منجر می‌شود. از طرفی، ممکن است خشونت خود راهی برای برخورد با این فشارها باشد. تحقیقات نشان می‌دهد خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد خشونت‌های خانگی بیشتری را تجربه می‌کنند و این امر به دلیل فشار و تنش‌هایی است که در موقعیت بیکاری، فقر و کمبود درآمد ایجاد

-
1. Strain Theory
 2. Robert K. Merton
 3. conformity
 4. retreatism
 5. ritualism
 6. rebellion

می‌شود. البته نباید از وجود خشونت در میان سایر طبقات اجتماعی غافل ماند، زیرا طبقات متوسط و بالا می‌توانند این مسائل را پنهان یا آن‌ها را حاشا کنند. براساس نظریه فرهنگ، انواع گوناگون رفتارهای سوء مانند همسرآزاری، کودک‌آزاری و سالمندآزاری از سوی جامعه شکل می‌گیرند. از این دیدگاه، فرهنگ میراث اجتماعی گذشته است که بر رفتار کنونی و آینده انسان تأثیر می‌گذارد. دوباش و دوباش^۱ ارتباط مشخصی میان رفتار خشونت‌آمیز مردان در مقابل زنان و هنجارهای اجتماعی یافته‌اند. مردانی که با همسران خود بدرفتاری می‌کنند در فرهنگی زندگی می‌کنند که در آن حاکمیت مردان بسیار بیشتر از زنان است. از ویژگی‌های دیگر این فرهنگ، تأثیر پرخاشگری مردان، وجود حاکمیت مردانه و فرمان‌برداری زنان است. بنابراین، در جوامع پدرسالار، استفاده از قدرت برای ثبات حاکمیت مردانه دارای مشروعیت است. در برخی جوامع، زمانی که نظم اجتماعی به خطر می‌افتد، برای استقرار آن از خشونت استفاده می‌شود. این شکل از نظارت اجتماعی، یعنی اعمال خشونت برای بقای نظم اجتماعی در جامعه، هم در سطح کلان و هم در سطح خرد (خانواده)، صورت می‌گیرد [۱۴؛ ۲۵]. در جمع‌بندی بخش نظری می‌توان نظریه‌های مطرح‌شده در حوزه خشونت را در سه گروه دسته‌بندی کرد: الف) نظریه‌های یادگیری اجتماعی و نظریه انتقال بین نسل‌ها که بر مشاهده یادگیری خشونت در خانواده و جامعه تأکید دارند، ب) نظریه فرهنگ و نظریه الیاس که ریشه خشونت را در جامعه جست‌وجو می‌کنند و ج) نظریه‌های هومنز، مرتن و کوهن که رفتارهای خشونت‌آمیز را نتیجه ناکامی در دستیابی به اهداف و فشارها و تنش‌های ناشی از آن می‌دانند.

روش‌شناسی

جامعه آماری این پژوهش با توجه به قلمروی موضوعی آن شامل ۲۴ نفر از زنان متأهل ۲۰ تا ۶۰ سال هستند که در شهر تبریز زندگی می‌کنند. انتخاب نمونه تحقیق با استفاده از روش گلوله برفی بوده است. به این ترتیب که نخست مصاحبه را با افرادی که تجربه خشونت در خانواده داشتند شروع و با کمک آن‌ها زنان متأهل دیگری که وضعیت مشابه داشتند شناسایی و مصاحبه با آن‌ها انجام شد. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق است. روند مصاحبه به گونه‌ای بود که ابتدا با سؤال‌های کلی شروع می‌شد و با استفاده از راهنمایی و جهت‌دهی، سؤال‌های تکمیلی اضافی و غیرمستقیم، که در طول هر مصاحبه به تناسب شرایط و تجربیات متفاوت زنان تغییر می‌کرد، برای تشویق و دستیابی به توضیحات بیشتر پرسیده شد. این روند تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافت. مشارکت‌کنندگان با آگاهی از هدف پژوهش، محرمانه بودن همه اطلاعات و هماهنگی جهت زمان انجام مصاحبه و ضبط آن به صورت یادداشت‌برداری حاضر به مصاحبه می‌شدند. داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تجزیه و تحلیل شدند. در تحقیق حاضر، به منظور

1. Dobash and Dobash

احراز قابلیت اعتبار (اعتبارپذیری) تحقیق از تکنیک‌های ذیل استفاده شد: ۱. تکنیک‌های تثلیث: نظیر استفاده از منابع تأییدگر، محققان و روش‌های متعدد در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده که این امر به افزایش قابلیت اعتبار می‌انجامد؛ ۲. تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی^۱ (نظیر نمایش و ارائه تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن‌ها به متخصصان که این امر می‌تواند به غنای قابلیت اعتبار کمک کند؛ ۳. تکنیک کنترل اعضا (از طریق ارائه تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن‌ها به پاسخ‌گویان تا از واکنش‌های آنان در مرحله گزارش نوشته‌ها آگاهی حاصل کنند)؛ ۴. خودبازبینی محقق^۲ در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها که این روش نیز می‌تواند به افزایش قابلیت اعتبار تحقیق کمک کند [۱۶؛ ۲۳].

یافته‌ها

در این تحقیق، در مجموع ۲۴ مصاحبه انجام شده و سپس اشباع نظری به دست آمده است. یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد میانگین سنی آزمودنی‌ها ۳۷ سال بوده که با توجه به بیشترین و کمترین، بالاترین سن ۵۰ و پایین‌ترین سن ۲۰ سال گزارش شده است. از میان افراد مصاحبه‌شده، ۵۵ درصد آن‌ها خانه‌دار و ۴۵ درصد شاغل بوده‌اند؛ مدرک تحصیلی ۳۷/۵ درصد آزمودنی‌ها فوق دیپلم و لیسانس، ۲۵ درصد دیپلم، ۱۲/۵ درصد ابتدایی، ۸/۳۳ درصد فوق لیسانس و ۴/۱۶ درصد دکتری است؛ ۵۸/۳۳ درصد آزمودنی‌ها ۱ یا ۲ فرزند و ۱۲/۵ درصد ۳ الی ۶ فرزند داشتند و ۲۹/۱۶ درصد نیز فاقد فرزند بودند.

جدول ۱. مشخصات زمینه‌ای پاسخ‌گویان

ردیف	سن	شغل	تحصیلات	فرزند	ردیف	سن	شغل	تحصیلات	فرزند
۱	۳۹	خانه‌دار	لیسانس	۲	۱۳	۳۹	کارمند	ارشد	-
۲	۲۸	پرستار	فوق لیسانس	۱	۱۴	۴۱	معلم	ارشد	۱
۳	۵۰	خانه‌دار	بی‌سواد	۶	۱۵	۳۷	خانه‌دار	دیپلم	۱
۴	۴۱	مهندس	لیسانس	۱	۱۶	۳۴	کارمند	لیسانس	۱
۵	۴۰	دانشجو	دکتری	-	۱۷	۴۸	معاون مدرسه	فوق دیپلم	۱
۶	۲۹	خانه‌دار	لیسانس	-	۱۸	۲۰	خانه‌دار	دانشجو	-
۷	۲۵	بازاریاب	فوق دیپلم	-	۱۹	۵۰	خانه‌دار	ابتدایی	۴
۸	۳۱	معلم	فوق لیسانس	-	۲۰	۴۸	خانه‌دار	پنجم	۳
۹	۴۹	مدیر باشگاه	دیپلم	۲	۲۱	۲۰	خانه‌دار	لیسانس	-
۱۰	۳۷	خانه‌دار	دیپلم	۲	۲۲	۳۸	خانه‌دار	دیپلم	۲
۱۱	۴۹	بازنشسته	دیپلم	۲	۲۳	۳۷	خانه‌دار	دیپلم	۲
۱۲	۳۹	خانه‌دار	فوق دیپلم	۱	۲۴	۲۷	خانه‌دار	فوق دیپلم	۱

1. peer debriefing
2. self monitoring

در ابتدای مصاحبه از پاسخ‌گویان خواسته شد تا به این سؤال پاسخ بدهند که شوهر آن‌ها در هنگام عصبانیت چگونه برخورد می‌کنند؟ پاسخ‌گویان این‌گونه پاسخ دادند که شوهران آن‌ها موقع عصبانیت شروع به پرت کردن و شکستن وسایل منزل و آن‌ها را به زدن تهدید می‌کند. اکثر پاسخ‌گویان تأکید داشتند که شوهران آن‌ها موقع دعوا داد و فریاد می‌کنند و سعی دارند با صدای بلند حرف خود را به آن‌ها بفهمانند. خانم ۲۰ ساله، خانه‌دار، می‌گوید:

شوهر من موقع عصبانیت همیشه با صدای بلند حرف می‌زنه و هر چیزی هم من بگم نمی‌شنوه... اون سعی می‌کنه با بلند حرف زدن حرف خودش رو به کرسی بنشونه... درواقع با این کار می‌خواد زور بگه...

خانم ۴۹ ساله، بازنشسته، می‌گوید:

شوهر من هر موقع عصبانی می‌شه، من رو می‌زنه... دست بزن داره... سیلی می‌زنه... از همون اوایل زندگی همین‌طوری بود...

خانم ۴۰ ساله، خانه‌دار، می‌گوید:

شوهر من موقع عصبانیت سکوت می‌کنه و این کار او باعث عصبانیت بیشتر و بدتر شدن اوضاع می‌شه. همه‌ش می‌گه نمی‌خوام حرف‌های تکراری تو رو بشونم...

خانم ۵۰ ساله، خانه‌دار، می‌گوید:

شوهر من وقتی عصبانی می‌شه... وسایل خونه رو پرت می‌کنه... گوشه‌ی رو می‌زنه به در و دیوار... پنجره‌ها رو می‌شکنه و تهدید به زدن می‌کنه...

خانم ۳۷ ساله، خانه‌دار، می‌گوید:

شوهر من میز و صندلی رو به همه طرف پرت می‌کنه و محکم از بازو هام می‌گیره... اگه نزدیکش هم باشم که یک مشت بهم می‌زنه... طوری که این بازوهای من همیشه کبود هستن چون ازش ضربه می‌خورن...

شرایط علی

مشکلات اقتصادی: یافته‌های حاصل از بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی از جمله علل مهم در بروز مشکلات خانوادگی و به‌ویژه خشونت مردان علیه زنان در کانون خانواده است. خانم ۲۹ ساله، لیسانس، می‌گوید:

ما خیلی همدیگر رو دوست داشتیم... ولی به خاطر مشکلات مالی همسر من خیلی عصبی می‌شد و حتی یکی دو روز با من حرف نمی‌زد.

خانم ۳۹ ساله، کارشناسی ارشد، می‌گوید:

شوهر من چون خرج پدر و مادرش رو که مریض بودن می‌داد، نمی‌دونستیم که درآمد ما کجاها خرج می‌شه... این باعث اختلاف بین ما می‌شد.

خانم ۲۸ ساله، فوق دیپلم، می گوید:

همه مشکلات ما برمی گرده به شرایط مالی. من وقتی چیزی از شوهرم می خوام که اون نمی تونه تهیه کنه، همه چیز رو هم جمع می شه و اینها باعث عصبانیت شدید و مخرب اون می شه... ای کاش من هم شاغل بودم نه خانه دار. چون وقتی از همسرم چیزی می خوام همه ش می گه بعداً.

ارزش های مردسالارانه: ارزش های مردسالارانه^۱ و توزیع نابرابرانه جنسیتی قدرت در خانواده خانواده از علل وقوع خشونت در خانواده محسوب می شوند. زمانی این اتفاق می افتد که مردان تهدیدی علیه اقتدار مردانه خود و ارزش های پدرسالاری احساس کنند. از جمله مصادیق آن می توان به گفته های پاسخ گوین در مورد زورگویی مرد و تلاش برای به کرسی نشاندن حرف ها، مقاومت آقایان در برابر خواسته های زن در موقعیت های مختلف اشاره کرد. بنا به گفته دوباش و دوباش (۱۹۷۹)، خشونت علیه زنان از وضعیت فرودست زنان در رابطه با مردان و حاکم بودن نظام خانوادگی پدرسالار ناشی می شود [۲۸، ص ۶۱]. مردان در این شرایط جامعه پذیری تکساحتی شده و باورهای کلیشه ای از رفتارهای جنسیتی را در رفتارهای خود بروز می دهند. خانم ۳۱ ساله، خانه دار، می گوید:

شوهر من همیشه حتی حرف های غیرمنطقی خودش رو می خواد با زور به من تحمیل بکنه...

خانم ۵۳ ساله، بازنشسته، می گوید:

در آذربایجان، به خصوص تبریز، آقایان خیلی زورگو هستن و خانمها مظلومترین هستن. آقایون می خوان که خانم اونها همیشه به دلخواه اونها رفتار بکنه.

خانم ۴۰ ساله، کارشناسی ارشد، می گوید:

در خونه ما شوهرم اصلاً با من مشورت نمی کنه و هر کاری رو خودش انجام می ده... وقتی بهش می گم، می گه تو شوهر کردی و باید به حرف شوهرت گوش بدی.

خانم ۳۷ ساله می گوید:

شوهر من کتک زدن رو از پدرش یاد گرفته و خشن شده.. چون اون حتی در سن ۹۰ سالگی زنش رو به باد کتک می گرفت...

خانم ۴۱ ساله، شاغل، می گوید:

شوهر من در خانواده ای بزرگ شده که هیچ چیزی رو به زن نمی گن... اونها زن رو در اون سطح نمی بینن که باهاش مشورت کنن...

خانم ۴۸ ساله، فوق دیپلم، شاغل می گوید:

شوهر من در خانواده‌ای بزرگ شده که نمی‌دارن زنشون چیزی بگه... چون می‌ترسن که زن حرفش رو به کرسی بنشونه. بنابراین هرچی که زن می‌گه باهش مخالفت می‌کنن و قبولش ندارن.

یکی از زیرمجموعه‌های ارزش مردسالارانه مفهوم «برهم خوردن توازن قدرت» است. براساس تئوری توزیع قدرت، گاه بین زن و شوهر تضادی ایجاد می‌شود و هریک برای احراز منزلت خود و رسیدن به اهداف خویش از طریق توسل به امکانات مالی، فرهنگی و... قصد تسلط بر دیگری را دارند. تداوم این وضعیت موجب تنش و کشمکش بین زوجین می‌شود. به اعتقاد فوکو، ساختارهای اقتدار پدرسالاری که وی از آن به «سلطه گفتمانی» یاد می‌کند، به‌ناچار با اشکالی متعدد از مقاومت روبه‌رو می‌شود. به تعبیری دیگر، «هرجا قدرت وجود دارد، مقاومت هم وجود دارد». بر این اساس، گفتمان مردانگی، به‌رغم فراگیری و سلطه تاریخی، با مقاومت زنانه روبه‌رو شده است [۲۸، ص ۶۱]. از یک‌سو، آشنایی زنان با جایگاه حقوقی خویش، کسب استقلال اقتصادی، درخواست مشارکت در اداره امور خانواده و توزیع مساوی قدرت و از سوی دیگر، عدم پذیرش و درک مردان از شرایط جدید و ناآگاهی آن‌ها از حقوق و تکالیف متقابل زوجین موجب اختلاف و تعارضات شدید در خانواده شده است. همچنین، با پیشرفت اقتصادی-اجتماعی، گسترش رسانه‌ها و آموزش بیشتر، زنان از فرهنگ سنتی فاصله گرفته‌اند و این امر باعث شده است تا آن‌ها کمتر نقش‌های سنتی را بپذیرند یا در صورت پذیرش آن‌ها ارزیابی منفی به نقش خود داشته باشند و این باعث نارضایتی از زندگی می‌شود. پاسخ‌گویان در توضیح علت خشونت فیزیکی شوهران علیه آنان، مشورت‌نکردن زن با شوهرش موقع خرید، سرپیچی زن از خواسته‌های مرد در مورد لباس پوشیدن، رفت و آمد، نحوه صحبت کردن، آرایش، پافشاری زن روی گفته‌هایش و کوتاه نیامدن را ذکر می‌کنند. این موارد نشان‌دهنده برهم خوردن معادله توزیع قدرت در خانواده است. خانم ۴۰ ساله می‌گوید:

شوهر من فقط انتظار داره که خانم در آشپزخانه کار کنه و کارهایی مثل رانندگی رو برای خانم‌ها اصلاً قبول نداره... می‌گه جای خانم در آشپزخانه‌ست نه بیرون.

دخالت خانواده‌ها: یکی از عواملی که می‌تواند بر ساختار درونی خانواده تأثیر بگذارد، اطرافیان هستند. اطرافیان یک خانواده همچون خانواده‌های پدری، خانواده‌های دوستان، همسایه و... می‌توانند از سوی افراد خانواده الگو قرار گرفته و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر ساختار خانواده تأثیرگذار باشند. در این تحقیق نیز، بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از علل وقوع خشونت در خانواده‌ها دخالت اطرافیان است. خانم ۳۹ ساله، لیسانس، می‌گوید:

خانواده شوهر من خیلی برا من محدودیت قائل هستن... همه‌ش می‌گن عروس نباید این کارا رو بکنه یا اون‌طوری بکنه... در مورد آرایش، لباس پوشیدن، رفت و آمد همه‌ش دخالت می‌کنن...

خانم ۴۰ ساله، خانه‌دار، می‌گوید:

شوهر من هر وقت هر کاری بخوایم بکنیم به پدرش می‌گه... همه کارهای ما رو اون‌ها کنترل می‌کنن. حتی رفتن به پارک و خرید چیزهای جزئی رو می‌دونن...

خانم ۳۷ ساله، خانه‌دار، می‌گوید:

دخالت‌های خانواده شوهرم خیلی من رو اذیت می‌کنه. در مورد رفتن خونه پدرم..

پول دادن به من... همه رو بهش می‌گفتن و اون هم می‌اومد و با من بدرفتاری می‌کرد.

براساس یافته‌های حاصل از کدگذاری داده‌ها، دلایل و علل ذکرشده برای وقوع خشونت فیزیکی شوهران علیه زنان در حوزه خصوصی و زندگی مشترک می‌تواند پیامدهای متعددی برای خانواده‌ها به دنبال داشته باشد. سردی روابط، آسیب‌پذیری کودکان و واکنش ارتجالی از پیامدهای مورد نظر پاسخ‌گویان است. دلخوری، قهر و گوشه‌گیری، لجبازی طرفین، بی‌تفاوتی و بی‌توجهی زوجین به همدیگر در نتیجه خشونت فیزیکی، تأثیرپذیری کودکان و جامعه‌پذیری نادرست آن‌ها، فحاشی متقابل زوجین از نمودهای آن‌ها در زندگی مشترک است.

فرسایش اعتماد: مفهوم فرسایش اعتماد را می‌توان در زیرمجموعه ساختار پدرسالارانه مطالعه و بررسی کرد. سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم کلیدی مطرح‌شده در حوزه علوم اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسی است که امروزه از سوی محققان و پژوهشگران مختلف مورد مطالعه و بررسی گسترده قرار می‌گیرد. فوکویاما^۱ سرمایه اجتماعی را هنجارهای غیررسمی جاافتاده‌ای می‌داند که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. از نظر وی، دامنه هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را به‌وجود می‌آورند می‌تواند از هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه‌های پیچیده و کاملاً جزءبه‌جزء مانند مسیحیت یا آیین کنفوسیوس را دربرگیرد. سرمایه اجتماعی ابعاد متعددی دارد و یکی از آن‌ها اعتماد است. به اعتقاد پیلائی^۲، اعتماد نوعی ادراک درونی از قابلیت اطمینان و امنیت در روابط دوسویه بین افراد است [۵۴، ص ۲]. به عبارتی، اعتماد یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است. این شرایط در جوامع کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران به‌دست می‌آید، اما در جوامع بزرگ‌تر نوعی خاص از اعتماد غیرشخصی یا غیرمستقیم برقرار می‌شود. وی در بحث اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی یا اجتماعی اشاره می‌کند و بر این باور است که اعتماد اجتماعی برای جامعه سودمندتر است. پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از ساز و کارهای تبدیل اعتماد شخصی به اعتماد اجتماعی می‌داند [۵، ص ۲۹۲]. به عقیده چلبی، آنچه افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد و باعث تکرار، تداوم و متشکل شدن تعاملات می‌شود، بعد اظهاری تعامل است که در آن «ما» در اجتماع شکل

می‌گیرد. هرگاه تعامل، به‌خصوص تعامل اجتماعی (اظهاری)، تداوم پیدا کند، به رابطه اجتماعی تبدیل می‌شود و این رابطه باعث وابستگی عاطفی می‌شود. این وابستگی عاطفی خود حافظ رابطه می‌شود و باعث تعهد و علاقه و احساس تعلق به جمع و اعتماد می‌شود. بنابراین، براساس نظریه چلبی، اعتماد در وابستگی عاطفی ریشه دارد. به اعتقاد او، هرگاه عواطف مثبت رشد و در میان افراد انتقال یابد، اعتماد ایجاد و تقویت می‌شود [۶، ص ۱۰۱]. فرسایش اعتماد می‌تواند مشکلات درخور توجهی را در ارتباطات و به‌ویژه روابط زوجین ایجاد کند و مانعی بین طرفین باشد [۵۰، ص ۲]. یکی از علل وقوع خشونت علیه زنان در خانواده، از نگاه پاسخ‌گویان، بی‌اعتمادی شوهر به روابط زن با آشنایان و همسایگان و در نتیجه حساسیت مرد به رفت و آمد زن ذکر شده است. خانم ۲۸ ساله، خانه‌دار، می‌گوید:

شوهر من در مورد رفتن به خونه خواهرم و فامیل خیلی حساسه و اگر بیش از یک بار در هفته برم اعتراض می‌کنه...

خانم ۴۱ ساله، دانشجو، می‌گوید:

شوهر من اجازه نمی‌ده که فامیل‌ها و آشنایان من به خونه ما رفت و آمد کنن... این باعث اختلاف می‌شه در خونه ما... می‌گه من به غریبه‌ها اعتماد ندارم... حتی دوستان و آشنایان تو.

خانم ۲۵ ساله، فوق دیپلم، می‌گوید:

شوهر من روابط اجتماعی وسیعی داره؛ یعنی در محل کار با همکاران خانمش می‌ره می‌گرده... شام و نهار هم با اون‌ها می‌خوره... وقتی هم اعتراض می‌کنم، می‌گه به مسائل کاری مربوطه.

خانم ۵۲ ساله خانه‌دار می‌گوید:

شوهر من وقتی می‌بینم من با همسایه‌هامون صحبت می‌کنم عصبانی می‌شد و همه‌ش از من گلایه می‌کنه... می‌گه با زن همسایه صحبت نکن من به اون‌ها اعتمادی ندارم.

استراتژی‌های مقابله‌ای

بررسی نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زنان شهر تبریز در مواجهه با خشونت به شیوه‌های مختلف واکنش نشان می‌دهند. اما با توجه به اینکه زنان خشونت خانگی را امری خصوصی می‌دانند، کمتر به دنبال راه حل‌های ساختاری برای مقابله با آن هستند و استراتژی‌های اتخاذ شده نیز به عوامل متعددی همچون سن، طبقه، پایگاه اجتماعی، سطح تحصیلات، استقلال مالی و شغلی، برخورداری از حمایت‌های خانوادگی و قانونی و از همه مهم‌تر نوع خشونت و جدیت آن بستگی دارد. یکی از راهکارهایی که زنان در مواجهه با خشونت فیزیکی اعمال می‌کنند سکوت در برابر خشونت به علل متعدد (همچون قباحه طلاق، داشتن فرزند) است. خانم ۴۸ ساله شاغل می‌گوید:

من در خیلی مواقع که بچشمون شده، هرچند حق با من بوده، سکوت کردم و از حق خودم گذشتم... مثلاً می‌گفت با خواهرت رفت و آمد نکن، من هم قبول کردم و نداشتم که به خاطر این موضوع شوهرم در خونه بداخلاقی بکنه؛ چون من بچه داشتم و خواستم که به خاطر بچه‌ام تمکین بکنم... اصلاً خانواده ما طلاق رو قبول نداشتن و می‌گفتن باید هر طور که هست سازگاری بکنیم.

خانم ۳۰ ساله لیسانس، خانه‌دار، می‌گوید:

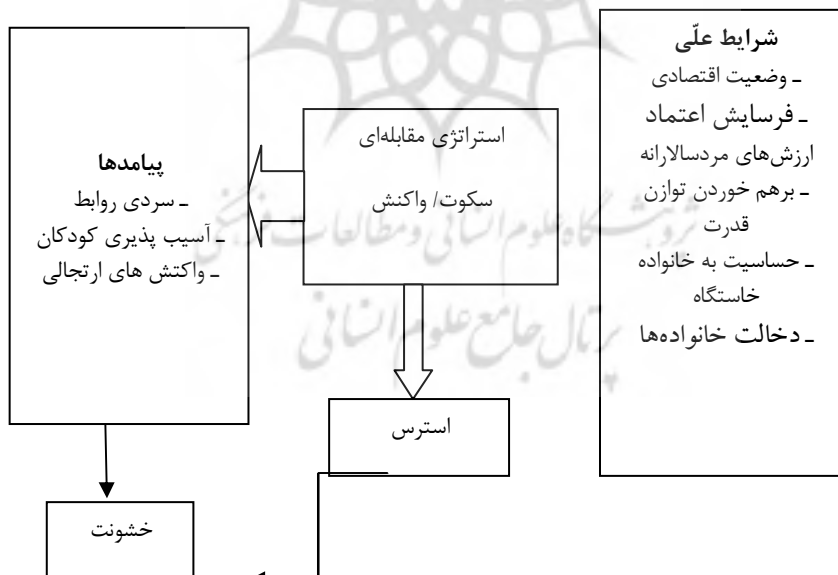
شوهر من وقتی عصبانی می‌شه، من اگر هم چیزی بگم نمی‌شنوه... من هم کاری نمی‌کنم و سکوت می‌کنم تا حرفاش رو بزنه و تخلیه بشه.

از روش‌هایی که پاسخ‌گویان برای تغییر شرایط خشونت‌آمیز اعمال می‌کنند، به کار بردن تکنیک حواس‌پرتی هوشمندانه است. آن‌ها سعی می‌کنند در حین دعوا و مشاجره به مباحثی متفاوت توجه کنند تا میزان تنش بین آن‌ها کاهش یابد. خانم ۳۱ ساله فوق لیسانس، شاغل، می‌گوید:

من موقع دعوا همه‌ش می‌خندم و یه چیزی به شوخی می‌گم تا شرایط رو عوض کنم... چون نمی‌خوام بحث رو ادامه بدم... وقتی هم این کار رو می‌کنم همه‌چیز دیگه تموم می‌شه.

خانم ۴۰ ساله، خانه‌دار، می‌گوید:

من وقتی با شوهرم دعوا می‌شه... سعی می‌کنم بحث رو زود عوض کنم و در مورد یه سریال تلویزیونی یا ماجرای صحبت کنم. هرچند این کار مشکل من رو حل نمی‌کنه... عوضش اون لحظه هر دو آرام می‌شیم.



شکل ۱. مدل پارادایمی تبیین خشونت فیزیکی علیه زنان

براساس مدل پارادایمی ۱، علل اساسی وقوع استرس در مردان، وضعیت اقتصادی، فرسایش اعتماد اجتماعی مردان، ارزش‌های مردسالارانه، برهم خوردن توازن قدرت، حساسیت به خانواده خاستگاه و دخالت خانواده‌ها در زندگی خصوصی زوجین است. به عبارتی، در کنار مشکلات اقتصادی موجود در جامعه، مسائلی همچون از بین رفتن اعتماد به دیگران و کاهش ضریب اعتماد، تزلزل در ارزش‌های سنتی مردسالارانه و اعتقاد به فرمان‌برداری و مطیع‌بودن زنان موجبات بروز استرس را در مردان فراهم می‌کنند. در این شرایط، مردان نوعی راهبرد خشونت‌آمیز را در پیش می‌گیرند و سعی دارند در برابر این تغییرات به نوعی واکنش نشان بدهند. این شرایط آن‌ها را به اتخاذ یک رویکرد انعکاسی منفی، یعنی بروز رفتارهای خشونت‌آمیز، هدایت می‌کند که نه از روی انتخاب و کنشگری فعال، که صرفاً نوعی موضع‌گیری تلافی‌جویانه در قبال شرایط جاری حاکم بر جامعه است. البته باید توجه داشت که استرس و فشارهای ناشی از علل مذکور، در واقع، انعکاس فشارهای روانی و اجتماعی موجود در جامعه است؛ یعنی لزوماً مشکلات اقتصادی نیست که موجب بروز رفتار خشونت‌آمیز مردان علیه زنان می‌شود، بلکه سایر تغییرات اجتماعی نیز در وقوع استرس در مردان دخیل هستند. در این شرایط، احتمال واکنش زنان در اشکال مختلف همچون رفتار خشونت‌آمیز و اقدام به جدایی وجود دارد. اما در نهایت، نمود این نوع موضع‌گیری می‌تواند پیامدهای فردی و اجتماعی زیادی، در درجه اول در کانون خانواده و در درجه دوم در جامعه داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به سردی روابط بین زوجین، آسیب‌پذیری کودکان و واکنش‌های ارتجالی مردان اشاره کرد. مجموع این اقدامات به همراه پیامدهایی که ذکر شد، در مردان تولید استرس می‌کنند که برای خروج و رهایی از استرس، واکنش‌های غیرهنجاری نظیر خشونت علیه زنان گریزناپذیر می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف عمده پژوهش حاضر مطالعه کیفی خشونت فیزیکی در میان زنان متأهل شهر تبریز بود. مطالعه ادبیات مفهومی و تجربی موضوع نشان می‌دهد که خشونت در جهان معاصر ماهیتی اخلاقی، ارزشی و اقتصادی پیدا کرده است و نظریه‌های فشار، یادگیری اجتماعی و ناکامی پرخاشگری هم بر این امر اذعان داشتند که خشونت انعکاسی از مسائل و شرایط متعدد در جامعه است. بر همین اساس، می‌توان گفت خشونت فیزیکی متأثر از عواملی نه فقط فردی که برگرفته از عوامل ساختاری در جامعه است که در نهایت در نهاد خانواده بروز پیدا می‌کند. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد ۳۷/۵ درصد پاسخ‌گویان در زندگی مشترک خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند، این در حالی است که بقیه پاسخ‌گویان (۶۲/۵ درصد) تجربه خشونت فیزیکی نداشتند. به اعتقاد پاسخ‌گویان، مشکلات اقتصادی، فرسایش اعتماد شوهر به زن، داشتن نگاه

مردسالارانه، دخالت اطرافیان، مقاومت زن در برابر خواسته‌های مرد، جابه‌جایی توازن قدرت و عدم پذیرش تغییرات در جامعه از علل و عوامل خشونت مردان علیه زنان است. براساس دیدگاه پاسخ‌گویان، یکی از عوامل بروز خشونت علیه زنان مشکلات اقتصادی است که موجب افزایش تنش و ستیز در برخی خانواده‌ها شده است. لذا می‌توان گفت که نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های گنزالس دالارت و لوزا^۱ (۱۹۹۹) همسوست. مفهوم دیگر مطرح‌شده «الگوهای رفتاری پدرسالاری» است و این مورد را می‌توان براساس نظریه ستمگری جنسی تبیین کرد. همه نظریه‌های ستمگری جنسی موقعیت زنان را پیامد رابطه ناعادلانه میان زن و مرد می‌دانند. رابطه‌ای که طی آن مردان، که منافعی عینی و بنیادی در نظارت، سوء استفاده، انقیاد و سرکوب زنان دارند، از طریق اعمال ستم جنسی بر زنان این منافع را برآورده می‌کنند. بر این اساس، الگوی ستمگری با عمیق‌ترین و فراگیرترین اشکال در سازمان جامعه عجین می‌شود و ساختار تسلط بنیادی را تشکیل می‌دهد که عموماً پدرسالاری خوانده می‌شود. این نوع نگاه و نحوه جامعه‌پذیری مردان در این ساختار و فرهنگ، مطابق تئوری فرهنگ، در خود جامعه ریشه دارد. پیامدهای روانی رفتار خشونت‌آمیز، که در قالب سردی روابط بین زوجین مطرح شده است، با یافته‌های بارچی و همکاران (۲۰۱۸) همسوست. بر همین اساس و با مد نظر قرار دادن نمونه‌های هدفمندی که مناسب با شیوه پژوهش کیفی باشند، داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته از زنان متأهل جمع‌آوری شدند. آنچه در نهایت براساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان شکل گرفت، پدیده‌ای با عنوان «استرس» است. به این معنا که شرایط ذکرشده همگی زمینه موقعیت پراسترس و تنیدگی را در مردان فراهم می‌آورد. به عبارتی، استرس نتیجه تعامل رویدادهایی است که در محیط فردی و اجتماعی انسان رخ می‌دهد. بر این اساس، مواجهه با مشکلات اقتصادی و ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای خانواده از جمله عوامل زمینه‌ساز استرس در این تحقیق ذکر شده است. تزلزل ارزش‌های مردسالارانه و مواجهه با شرایطی متفاوت از آنچه در گذشته جزء ارزش‌ها تلقی می‌شد نیز از عوامل دیگر بروز استرس و رفتارهای خشونت‌آمیز در مردان است. به عبارتی، استرس نوعی واکنش مردانه در مواجهه با این شرایط است. تغییرات ایجادشده در الگوهای رفتاری زنان، که در نقطه مقابل الگوهای رفتاری گذشته‌اند، نیز زمینه‌های بروز استرس را فراهم آورده‌اند. به این معنا که مردان در مواجهه با مشکلات و شرایطی متفاوت از آنچه الگوهای رفتاری گذشته بر آن صحنه می‌گذاشتند، رفتاری پرخاشگرانه علیه زنان نشان می‌دهند. در واقع، می‌توان گفت که خشونت فیزیکی مردان علیه زنان، که در قالب مفهوم استرس در این مطالعه معرفی می‌شود، متأثر از موضوعات اقتصادی، الگوهای رفتاری اجتماعی، فشار ساختاری و چشم‌اندازهای فردی هستند.

پیشنهادها

اولین گام مهم پررنگ کردن ارزش‌های والای انسانی همچون گذشت و فداکاری، شفافیت در بیان خواسته‌ها، توجه به تفاوت‌های جنسیتی ذاتی و مدیریت تعارض‌هاست. با توجه به این اصل که ریشه بسیاری از مشکلات به کانون خانواده و جامعه‌پذیری نادرست افراد برمی‌گردد، می‌توان گفت دومین گام مهم آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان از دوران کودکی است که این کار باید از نهادهای آموزشی (مهدکودک‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها) آغاز شود. گام مهم بعدی در بعد اجتماعی، به‌کارگرفتن ابزارها و تکنولوژی‌های آموزشی، برگزاری جلسات روان‌شناختی برای زوجین و برگزاری برنامه‌های متعدد با استفاده از رسانه‌های جمعی و فضای مجازی است که با این کار می‌توان مانع بروز خشونت در خانواده‌ها شد. ساخت برنامه‌هایی برای آشنایی خانواده‌ها با مهارت‌ها و استانداردهای زندگی، انجام دادن مشاوره‌های متناسب و کارآمد برای حل مشکلات ایجادشده، برخورد قانونی با خشونت، برگزاری کلاس‌های آموزشی برای خانم‌ها و آقایان (به صورت مشترک یا جداگانه) و آشناکردن آن‌ها با اصول مدیریت زندگی می‌تواند افراد را از افتادن در دام یک زندگی پرآشوب رهایی بخشد. این کار مستلزم همکاری و حمایت مالی دولت است. این اقدامات می‌تواند راه را برای حل مشکلات موجود در ساختار خانواده هموارتر بکنند. درنهایت، می‌توان گفت افزایش ضریب امنیت اجتماعی زنان در جامعه و اینکه حضور آنان در جامعه نه تنها موجب آسیب‌رساندن به آن‌ها نمی‌شود، بلکه می‌تواند زمینه‌های توانمندی آن‌ها را فراهم کند. همگی این اقدامات موجب جلب اعتماد مردان می‌شود و درنهایت زمینه‌های بروز رفتار خشونت‌آمیز را از بین خواهد برد.

منابع

- [۱] آل همپتون، رابرت و همکاران (۱۳۸۸). *خشونت در خانواده پیش‌گیری و درمان*، ترجمه داوود کربلایی و محمد میگونی، تهران: آفرینش.
- [۲] آقاخانی، نادر؛ افتخاری، علی؛ زارعی خیرآباد، عباس و دیگران (۱۳۹۱). «بررسی انواع خشونت شوهران علیه زنان و تأثیر عوامل مختلف در میزان بروز آن‌ها در زنان مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی شهرستان ارومیه در سال ۹۰-۹۱»، *مجله علمی پزشکی قانونی*، دوره ۱۸، ش ۲-۳، تابستان و پاییز، ص ۶۹-۷۸.
- [۳] باباپور، جلیل؛ ستارزاده، نیلوفر؛ خدایی، رقیه (۱۳۸۶). «تعیین عوامل خطر و ارتباط خشونت فیزیکی با برخی پیامدهای بارداری در مراجعان به بیمارستان‌های آموزشی شهر تبریز»، *مجله پرستاری و مامایی ارومیه*، ش ۵، ص ۴۴-۲۹.
- [۴] بوردیو، پیر (۱۳۸۰). *نظریه کنش؛ دلایل علمی و عقلانی*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.

- [۵] پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- [۶] چلبی، مسعود (۱۳۷۳). «تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی»، فصل‌نامه *علوم اجتماعی*، ش ۲، ص ۹۵-۱۰۶.
- [۷] خانجانی، زینب؛ ساعدی، سحر؛ بهادری خسرو شاهی، جعفر (۱۳۸۸). «عوامل مرتبط با شدت خشونت علیه زنان مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی تبریز (تحلیلی بر نقش عوامل بیماری‌شناختی و جمعیت‌شناختی)»، *مجله زن و مطالعات خانواده*، س ۲، ش ۶، ص ۶۷-۸۴.
- [۸] درخشانیپور، فیروزه؛ محبوبی، حمیدرضا؛ کشاورزی، ساحل (۱۳۹۳). «شیوع خشونت خانگی علیه زنان در بندرعباس»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، دوره ۱۶، ش ۱، ص ۱۲۶-۱۳۱.
- [۹] ریتزر، جرج (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- [۱۰] رسول‌زاده اقدم، صمد (۱۳۸۱). «آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه زنان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴، ش ۲، ص ۲۶-۵۴.
- [۱۱] رهبر طارمسری، مرتضی؛ یادسار، علیرضا و دیگران (۱۳۹۱). «خشونت فیزیکی در قربانیان همسرآزاری شهر رشت»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان*، دوره ۲۳، ش ۸۳، ص ۲۱-۲۶.
- [۱۲] ساعتچی، محمود (۱۳۷۷). *نظریه‌پردازی و نظریه‌ها در روان‌شناسی*، تهران: سخن.
- [۱۳] سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی کجروی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- [۱۴] صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۹). «خشونت خانگی و استراتژی زنان در مواجهه با آن (مطالعه‌ای کیفی)»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ش ۱، ص ۱۰۷-۱۴۲.
- [۱۵] عباس‌زاده، محمد؛ سعادت، موسی؛ کسب و کار، حسین (۱۳۸۹). «خشونت خانگی تهدیدی علیه سلامت روانی (مطالعه جامعه‌شناختی زنان متأهل شهر تبریز)»، فصل‌نامه *مطالعات امنیت اجتماعی*، ص ۶۱-۹۰.
- [۱۶] عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). «تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۳، ش ۱، بهار، ص ۱۹-۳۴.
- [۱۷] علیزاده، مهستی؛ صمدی‌راد، بهرام و دیگران (۱۳۹۱). «بررسی مورد شاهدی خشونت در دوران بارداری زنان متأهل شهر تبریز، *مجله زنان*»، *مجله مامایی و نازایی*، دوره ۱۵، ش ۳۲، ص ۸-۱۳.

- [۱۸] فلاح، سعید؛ رستم‌زاده، سوده؛ قلیچی قوجق، موسی (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان متأهل». مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، زمستان، دوره ۱۷، ش ۴، ص ۹۱-۹۷.
- [۱۹] فلیک، اووه (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۲۰] کار، مهرانگیز (۱۳۷۹). *پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران*، مطالعات زنان، تهران: روشنگران.
- [۲۱] کریم‌پور، عبدالحمید (۱۳۹۴). «خشونت علیه زنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی.
- [۲۲] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۲۳] محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۰). «آسیب‌شناسی اجتماعی زنان، خشونت علیه زنان»، مجله راهبردی زنان، ش ۱۴، ص ۱۹-۶.
- [۲۴] محمداوغلو، سمیه (۱۳۹۴). «خشونت علیه زنان در خانواده (مورد مطالعه: شهر اردبیل)»، فصل‌نامه خانواده‌پژوهی، س ۱۱، ش ۴۲، ص ۱۴۹-۱۶۳.
- [۲۵] محمدی، فائزه؛ میرزایی، رحمت (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر)»، مجله مطالعات اجتماعی ایرانیان، ش ۴، زمستان، ص ۲۹-۱.
- [۲۶] منیر، محمداوود؛ بادغیسی، وسیمه و دیگران (۱۳۸۸). *خشونت خانوادگی، عوامل و راهکارهای مقابله با آن*، تهران: شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر.
- [۲۷] هاشمی‌نصب، لیلا (۱۳۸۵). «بررسی شیوع، پیامدها و عوامل مرتبط با خشونت فیزیکی خانگی در زنان باردار مراجعه‌کننده به بخش زایمان بیمارستان‌های سمنان»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره ۱۱، زمستان، ص ۳۲-۴۱.
- [۲۸] یزدخواستی، بهجت؛ شیری، حامد (۱۳۸۷). «ارزش‌های پدرسالاری و خشونت علیه زنان، مطالعات زنان»، س ۶، ش ۳، زمستان، ص ۷۹-۵۵.
- [29] Abd Aziz, Nurul Nadia; Mohd Idris, Syazliana Astrah; Ishak, Maisarah; Wahid, Normilia Abd; Abu Yazid, Zaidatul Nadiah (2018). "factors affecting domestic violence against women: A conceptual model and research propositions, *International Journal for Studies on Children, Women, Elderly And Disabled*", 4, PP 191-198.
- [30] Abu Al Rub, Raeda Fawzi & Al-Asmar, Ali Hasan (2011). "Physical Violence in the Workplace Among Jordanian Hospital Nurses", *Journal of Transcultural Nursing*, 22(2), PP 157-165.
- [31] Ahn, Bonnie (2015). "Correlates of physical violence in marital relationships among first-generation Korean AmericanS", *International Social Work*, 49(2), PP 208-217.
- [32] Alan, Md Rashed; Alam, MdR; Islam, MdR (2007). "Factors Affecting

- Domestic Violence against Women in Bangladesh, 8th European Public Health Conference: Poster Walks”, *Population Science and Human Resource Development*, University of Rajshahi, Bangladesh.
- [33] Bandura, Albert (1971). “social learning theory, Stanford University”, *library of Congress Catalog*, 75, PP 1-46.
- [34] Barchi, Francis; Winter, C. Samantha; Dougherty, Danielle; Ramaphane, Peggie; Solomon, L. Phyllis (2018). “The Association of Depressive Symptoms and Intimate Partner Violence Against Women in Northwestern Botswana”, *Journal of Interpersonal Violence*, pp 1–19 .
- [35] Blasco-Ros, Concepción; Herbert, Joe; Martinez, Manuela (2014). “Different profiles of mental and physical health and stress hormone response in women victims of intimate partner violence”, *Journal of Acute Disease*, PP 303-313.
- [36] Büken, Örnek Nüket; Sahinoglu, Serap (2006). “Violence Against Women in Turkey and the Role of Women Physicians”, *The journal of Nursing Ethics*, 13, 2, PP 197-205.
- [37] Bouhours, Brigitte; Broadhurst, Roderic (2015). “Violence Against Women in Hong Kong Results of the International Violence Against Women Survey”, 21, 11, PP 1311-1329.
- [38] Buechler, Sandra (2017). “Erich Fromm’s concept of reactive violence”, *Journal International Forum of Psychoanalysis* , PP 193-197.
- [39] Bandura, Albert (1977). *Social Learning Theory*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- [40] Cau, M., Boaventura (2017). “Area-Level Normative Social Context and Intimate Partner Physical Violence in Mozambique”, *Journal of Interpersonal Violence*, PP 1– 26.
- [41] Conger & Elder (2016). “Linking Economic hardship to material quality in stability”, *Journal of marriage and the family*, P 646.
- [42] Coutinho, Emília; Almeida, Fátima; Duarte, João; Chaves, Cláudia; Nelas, Paula; Amaral, Odete (2014). “Factors related to domestic violence in pregnant women”, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 171, PP 1280-1287.
- [43] Crossman, Ashley (2018). “Learn About Strain Theory in Sociology”, Thought Co, [thoughtco.com/structural-strain-theory-3026632](https://www.thoughtco.com/structural-strain-theory-3026632).
- [44] Dépelteau, François & Landini, Tatiana Savoia (2017). *Norbert Elias and Violence*, press: Palgrave Macmillan US.
- [45] Evidence Digest (2018). *violence against women and girls Helpdesk*, 14, PP 1-5.
- [46] Gonzales de Olarte E, Llosa PG (1999). “Does poverty cause domestic violence? Some answers from Lima”. In: Morrison AR, Orlando BE, eds. *Too close to home: domestic violence in the Americas*, PP 35-49.
- [47] Homans C. George (1958). “Social Behavior as Exchange”, *American Journal of Sociology*, 63, 6, PP 597-606.

- [48] Laye, M. Adele & Mykota, B. David (2014). "Rural Canadian Youth Exposed to Physical Violence", *Canadian Journal of School Psychology*, 29, PP 21– 39.
- [49] Jeyaseelan, L.; Kumar, Shuba; Neelakantan, Nithya (2007). "physical Spousal violence against women in India: some risk factors", 39, PP 657–670.
- [50] Love, Brad; Mackert Michael; Silk, Kami (2013). "Consumer Trust in Information Sources Testing an Interdisciplinary Model, University of Texas", 300 W. Dean Keeton, PP 1-13.
- [51] McDuie-Ra, Duncan (2012). "*Violence Against Women in the Militarized Indian Frontier: Beyond "Indian Culture" in the Experiences of Ethnic Minority Women*", *Violence Against Women*, 18, 3, PP 322– 345.
- [52] Okenwa-Emegwa, Leah; Lawoko, Stephen; Jansson, Bjarne (2016). "*Attitudes Toward Physical Intimate Partner Violence Against Women in Nigeria*", sgo.sagepub.com, PP 1-10.
- [53] Ozturk, E. (2010). "Turkiye'de aile, siddet ve kadin siginma evleri", Istanbul, Birey Yayincilik.
- [54] Pillai, K. Vijayan; Wei, Fang-Hsun; Maleku, Arati (2013). "*International Non-Governmental Organizations in Latin America and Social Capital: An Empirical Case Study*", University of Texas at Arlington, School of Social Work, PP 1-7.
- [55] Pastor Bravo, María del; Martínez, Pilar Almansa; Ruiz, Ismael Jiménez (2016). "*Public policies, nursing role and health programs against gender Violence, Comparative study Spain–Brazil*", 7th International Conference on Intercultural Education "Education, Health and ICT for a Transcultural World, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 237, PP 758-764.
- [56] Sambisa, William ; Angeles, Gustavo; Lance, M. Peter; Naved, T. Ruchira; Thornton, Juliana (2011). "*Prevalence and Correlates of Physical Spousal Violence Against Women in Slum and Non-slum Areas of Urban Bangladesh*", 26, 13, PP 2592-2618.
- [57] Tavares, Paula and Wodon, Quentin (2018). "*ending violence against women and girls: global and regional trends in sexual legal protection agaisnt domestic violence and sexual harrasmen*"t, March.
- [58] Trevillion, K., Agnew-Davies, R., & Howard, L.M.(2011). "*Domestic Violence: Responding to The Needs of Patients. Learning Zone*", 25, 26, PP 48-56.
- [59] Uzun, Oneri Gizem; Uzunboylu, Huseyin (2014). "A Survey Regarding of Domestic Violence Againts Women, 2nd Global Conferecne on Psychology Researchers", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 190, PP 24-31.
- [60] Yim IS, Kofman YB (2018). *The Psychobiology of Stress and Intimate Partner Violence*, *Psycho neuro endocrinology*.